

خلاصه درس ۴

ارزش ها، راهنمای کنش های اجتماعی اند. وقتی به ارزش ها عمل کنند، ارزش ها به واقعیت تبدیل می شوند. آرمان اجتماعی: به مجموعه اهداف و ارزش های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن هستند. (تصور مطلوب اعضاء از وضعیت فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و...). قلمرو آرمانی فرهنگ و جهان اجتماعی: ارزش هایی که مردم از آنها جانب داری می کنند و رعایت آنها را لازم می دانند و در عمل ممکن است برخی از آنها نادیده گرفته شوند. (مانند اخلاص عمل و...). قلمرو واقعی فرهنگ و جهان اجتماعی: ارزش هایی که مردم به آن عمل می کنند. (احترام به والدین و...) هدف برنامه ریزان فرهنگی: ورود هر چه بیشتر آرمان ها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی است. اگر مردم مطابق آرمان های خود عمل کنند فاصله ی میان قلمرو واقعی و آرمانی کاهش می یابد. مهم ترین آرمان ها و ارزش های جهان اسلام: عمل به حق و پرهیز از باطل عقایدی از جهان اجتماعی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و خرافی باشد باطل است. عقایدی که از نظر علمی صحیح و مطابق با فطرت انسان باشد، حق است.

ارزش های حق: اعتقاد به توحید، وفای به عهد، دفاع از عدالت و.. ارزش های باطل: ظلم، شرک، دنیا پرستی، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و... حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی با علم متناسب با همان لایه شناخته می شود. حق و باطل بودن ارزش ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را باید با ابزار عقل و وحی شناخت نه با روش های علوم تجربی جهان اجتماعی که علوم رافقط تجربی می دانند و عقل و وحی را روش معتبر علمی نمی دانند نمی توانند داوری ارزشی کنند. (از حق و باطل بودن ارزش ها سخن بگویند). (قلمرو پدیده ها در جهان های اجتماعی متفاوت هستند. یعنی یک پدیده ممکن است در یک جهان آرمانی باشد و در جهانی دیگر واقعی (مثلا امنیت، سیاست و...). دیدگاه جهان های اجتماعی که علم رابه دانش تجربی محدود می کنند: مافقط می توانیم بودن یا نبودن این ارزش

ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری ارزشی راهی نداریم. آگاهی یا جهل، توجه یا عدم توجه مردم، ملاکی برای تشخیص حق یا باطل بودن ارزش، هنجار، کنش یا عقیده ای نیست. اگر جوامع حق را شناسند و به آن عمل نکنند، از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی دارند. حقایق ثابت اندولی گاهی در قلمرو واقعی اند و گاهی در قلمرو آرمانی (در جهان اجتماعی) متغییرند.

پرسش های درس ۴

۱- فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی را تعریف کنید. بخشی از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند فرهنگ واقعی جامعه است. بخشی از فرهنگ که مردم از آن جانبداری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما به آن عمل نمی کنند فرهنگ آرمانی است.

۲- مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر چه اساسی تغییر می کند؟ پاسخ: بر اساس عمل مردم تغییر می کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان ها و ارزش ها عمل کنند به همان اندازه آرمان ها وارد فرهنگ واقعی می شوند. اما اگر مردم به آرمان ها و ارزش هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد.

۳- چگونه بخشی از فرهنگ آرمانی خارج از فرهنگ واقعی قرار می گیرد و بخش های داخل یک فرهنگ آرمانی کدامند؟ با مثال تفسیر کنید. یخش هایی از فرهنگ آرمانی توسط مردم رعایت می شود و به آن عمل می کنند که داخل فرهنگ واقعی است مثلاً خون ریزی نکردن و به ناحق خون نریختن که هم در فرهنگ واقعی و هم در فرهنگ آرمانی (یا احترام به والدین و..). اما بخش هایی از فرهنگ فقط آرمانی است و در عمل رعایت نمی شود یعنی خارج از فرهنگ واقعی است مثلاً غیبت نکردن و صرفه جویی و دروغ نگفتن که به صورت فرهنگ آرمانی است ولی در عمل اکثر مردم آن ها را رعایت نمی کنند.

۴- برای بخشی از فرهنگ واقعی که خارج از فرهنگ آرمانی است مثال بزنید: پاسخ: ثروت اندوزی، سبزه درست کردن در ایام نوروز، تنبلی برخی از مردم، و.....

۵- دو ابزار مهم برای شناخت عقاید در ارزش ها چیست؟ ۱- عقل - ۲- وحی

۶- در چه صورتی جوامع فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارند؟ اگر جوامع به حقیقت ایمان نیاورند و بر اساس آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود به حقیقت و کنش هایی که بر اساس آن سازمان داده اند تغییر دهند فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارد

۷- تعدادی از ارزش های فرهنگ باطل را نام ببرید. قدرت طلبی، شرک، نژادپرستی، ثروت اندوزی، انکار مبدأ الهی، شقاوت، تجاوز به حقوق دیگران، دنیا پرستی، ظلم، بی عدالتی

۸- تعدادی از ارزش های فرهنگ حق را نام ببرید. دفاع از عدالت-حمایت ارز مظلومان-توحید- ربوبیت خداب سبحان نسب به همه ی مخلوقات - آزادی انسان ها و موانع سعادت.

۹- کدام بخش از فرهنگ حق و کدام بخش باطل است؟ بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد باطل و بخش هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد حق است.

۱۰- نقش برنامه ریزان فرهنگی در جامعه چیست؟ تلاش می کنند از طریق نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه فرهنگ واقعی فراهم آورند.

۱۱- علوم تجربی کدام روش ها را می توانند داوری کنند؟ پاسخ: فنون و روش های اجرایی که جنبه تجربی و حسی را دارند

۱۲- حق و باطل بودن هر بخش از فرهنگ چگونه شناخته می شود؟ پاسخ: حق و باطل بودن هر بخش از فرهنگ با علم متناسب با همان بخش شناخته می شود. مثلاً علوم تجربی می توانند روش های اجرایی، حسی و تجربی را داوری و شناسایی کنند و حق و باطل بودن ارزش ها و عقاید و فرهنگ ها را دو ابزار عقل و وحی

۱۳- چند نمونه از عناصر فرهنگ حق که در اغلب جوامع حضور دارند نام ببرید: وفای به عهد، راستگویی، پرستش خدا، عدالت خواهی، گذشت، رعایت پوشش، دفاع از مظلوم، احترام به هموع، کمک به هم نوع،

۱۴- آیا حق و باطل بودن عقاید و ارزش ها، هنجارها و کنش ها بر اساس آگاهی و توجه یا عدم آگاهی مردم تعیین می شود؟ پاسخ: خیر، ملاک حق و باطل بودن ارزش ها و عقاید فرهنگ را آگاهی یا جهل مردم، توجه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی کند. مثلاً پیروی مردم از نژادپرستی یا پول پرستی مانع باطل بودن آنها نمی شود.

۱۵- چگونه جوامع مختلف حقیقت را به فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی خود وارد می کنند؟ پاسخ: با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کنند و با عمل کردن به حق، آن را وارد فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند

۱۶- حقایق ثابت اند یا متغییر هستند؟ پاسخ: حقایق ثابت اند ولی از نظر وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی جوامع تغییرپذیرند. یعنی برای جوامع امکان پذیرش حق و ترک باطل وجود دارد. همان گونه که امکان انحراف از حق و روی آوردن به باطل نیز وجود دارد. چه مردم حق را انتخاب کنند چه نکنند ، حق همیشه حق و ثابت است. یعنی حق اعتبار خود را از مردم نمی گیرد از خدا (وحی) می گیرد.

۱۷- چه تفاوتی بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق وجود دارد؟ حق یا باطل بودن فرهنگ (عقاید، ارزش ها ، هنجارها، کنش ها) براساس آگاهی یا جهل، علاقه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی شود. ولی فرهنگ آرمانی با اعتبار دادن و توجه مردم شکل می گیرد.